



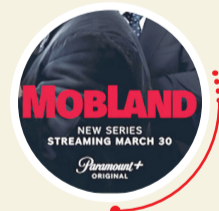
آثار باستانی کشور سالم اند

قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرد در حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، آسیبی به آثار و اموال تاریخی وارد نشده است. علی‌داری در گفت‌وگو خبرگزاری ایرنا گفت: «از نخستین ساعات تجاوز، دستورالعمل مقابله با شرایط بحران به موزه‌ها و پایگاه‌های میراثی سراسر کشور ابلاغ شد. براساس این دستور، اقداماتی مانند انتقال اشیای ارزشمند به مخازن امن، تقویت سیستم‌های حفاظتی و آماده‌باش کامل نیروهای امنیتی انجام شده است.» او همچنین گفته، بازگشایی موزه‌ها و پایگاه‌های میراث فرهنگی به صورت موقت تعطیل شده‌اند، به‌تصمیم‌شورای تأمین استان‌ها واگذار شده است. همچنین براساس اعلام دارایی، سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نامه‌ای رسمی به مدیرکل یونسکو خواستار به‌کارگیری همه‌ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک برای حفاظت از میراث‌فرهنگی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی شده است.



اپرای عروسکی مولوی در مسکو

اپرای عروسکی «مولوی» به نویسندگی و کارگردانی بهروز غریب‌پور در جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف اجرا و با استقبال پرشور مخاطبان روس همراه شد. به گزارش روابط عمومی بنیاد رودکی، جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف یکی از معتبرترین رویدادهای نمایشی جهان به‌شمار می‌رود که تاکنون ۳۳ دوره آن برگزار شده است. در دوره اخیر گروه اپرای ملی آران با حضور ۲۷ عروسک‌گردان و تکنسین، اپرای مولوی را در پنج اجرا در سالن ۷۰۰ نفره روی صحنه برد و تحسین رسانه‌ها و تماشاگران روسی را برانگیخت. همچنین بهروز غریب‌پور از نمایشگاه دستاوردهای جشنواره چخوف در خیابان آزات بازدید کرد. پیش از این نیز و از آبان تا اسفندماه سال گذشته، اپرای «مولوی» با طراحی، نویسندگی و کارگردانی بهروز غریب‌پور و تهیه‌کنندگی گروه اپرای ملی آران و بنیاد رودکی، با استقبال مخاطبان به مدت ۶۱ شب در تالار فردوسی روی صحنه بود.



ساخت فصل دوم سریال «مابلند»

پلنفرم پارامونت پلاس به‌طور رسمی اعلام کرد که فصل دوم سریال جنایی موفق خود به‌نام «MobLand» را می‌سازد. براساس اطلاعاتی که این شرکت فیلم‌سازی داده، کمپانی در پی موفقیت فصل اول سریال و استقبال بینندگان از آن، قرارداد ساخت فصل دوم را با عوامل سازنده این سریال تمدید کرده است. فصل اول سریال «مابلند» یا «سرزمین اوباش» اولین پار در مارس از شبکه شوت‌تایم پخش شد و طی شش هفته در فهرست ۱۰ سریال برتر بسیاری از فهرست‌های جهانی قرار داشت. «مابلند» دومین سریال پر بیننده تاریخ پارامونت پلاس پس از «Landman» است. داستان این سریال درباره خانواده‌مافیایی هریگان‌ها در لندن است و شخصیتی به نام هری داسوزا با بازی تام هاردی، به‌عنوان کارچاق‌کن وفادار این خانواده، محور اصلی روایت است؛ در این سریال بازیگران مطرحی چون پیرس برانزان، هلن میرن، تام هاردی ایفای نقش می‌کنند و برخی قسمت‌های آن را نیز گای ریچی، کارگردان مشهور بریتانیایی ساخته است.

روایات جنگ

پذیرش واقعیت

تسلای خاطر در زمانه پُرنرج



قادر باستانی تبریزی

پژوهشگر ارتباطات و رسانه

یا هفت روز خوشی، شامل حال مان می‌شود. اخیراً مقاله‌ای را می‌خواندم که یک استاد فلسفه دانشگاه سنت‌اندروز اسکاتلند درباره خوش‌بینی و بدبینی نوشته بود. این خانم فیلسوف توصیه می‌کرد، در بزنگاه‌های زندگی باید وجه سخت‌ماجر را ببینیم و می‌بایست شعله واقع‌بینی را فروزان نگه داریم و در این زمانه پُرنرج، این یک فضیلت است؛ اما در عین بدبینی باید امیدوار باشیم. واقعیت این است که هم بدبین‌ها، هم خوش‌بین‌ها، هر دو یک هدف دارند، اما مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به آن هدف پیشنهاد می‌کنند. بدبین‌ها سعی دارند تسلای خاطر فراهم آورند، با تأکید بر ضعف ما، با پذیرفتن اینکه هر قدر هم سخت تلاش کنیم، باز هم ممکن است به شادمانی نسیم؛ بدون اینکه خطایی از ما سر زده باشد. در این حال، خوش‌بین‌ها می‌خواهند از امید بگویند؛ با تأکید بر توانایی‌های ما، با اصرار



ما ایرانی‌ها در عبور از بحران، بارها نشان داده‌ایم که اهل ایستادگی و همراهی هستیم. ایران ما سرزمینی پُرتطرفیت و پُرنزوی است، با مردمی که در سخت‌ترین روزها هم تسلیم نشده‌اند. بارها در برابر توفان‌های تحریم و فشار ایستاده‌ایم، چون باور داشتیم قرار است با هم از این مسیر عبور کنیم. من اصولاً آدم خوش‌بینی هستم و سعی می‌کنم، مسائل را از زاویه مثبت ببینم. معتقدم، در زندگی ما مقدار نامالایمی‌ها، اصلاً قابل مقایسه با موفقیت‌ها و پیروزی‌ها نیست. ممکن است در زندگی ما، تعداد لحظات خوب بیشتر باشد، اما نکته اینجاست که لحظات ناگوار، چنان شدتی دارند که معیارها را به هم می‌ریزند. یک دوره سخت کوتاه، این قدرت را دارد که مقدار زیادی دوره خوشی را تحت الشعاع قرار دهد. درست مثل اینکه مقدار کمی آب دریا، می‌تواند یک بشکه آب تازه را شور کند. به همین قیاس، شری که در یک ساعت اندوه وجود دارد، بیشتر از خیری است که در شش

نگاه روزنامه‌نگار

صداوسیما‌ی شاعر مسلک

ضرورت نوسازی یک نهاد ملی



پیمان طالبی

نویسنده و روزنامه‌نگار

منظور آمادگی مردم جامعه در مواقع حساس و اضطرابی نیز نمره قبولی نگرفت، چراکه حتی کارشناسی که برای این منظور به برنامه‌های صبحگاهی آمدند هم درگیر شعار دادن و توصیف وضع موجود شده بودند. انکار که این ساختار یک فرم آماده دارد که هرکس واردش می‌شود - ولو به‌عنوان مهمانی برای یک آیتم ۱۰ دقیقه‌ای - همان حس و حال را اخذ می‌کند و همان طوری می‌شود که این ساختار می‌خواهد. من نمی‌گویم که کسی، از پشت دوربین، به مهمان و مجری و کارشناس می‌گوید چه بگو و چه نگو. می‌گویم حتی اگر چنین نقشی هم در برنامه‌ای وجود نداشته باشد، کارشناس پزشکی برنامه می‌داند که از ۱۰ دقیقه فرصتی که برای حرف زدن - بخوانید ارائه اطلاعات، بخوانید آگاهی‌بخشی - دارد، پنج دقیقه‌اش را باید مشت محکمی به دهان هرکسی که دست‌اش به دهان او می‌رسد، بزند!

در شرایطی که مردم در همان یک ربع، نیم‌ساعتی که اینترنت گوشی موبایل‌شان و به‌تبع آن فیلترشکن‌شان وصل می‌شود، سراغ کانال‌های تلگرامی‌ای می‌روند که خودشان هم می‌دانند از کجا اداره می‌شوند، عبارت‌هایی وصفی را از متون کهن فارسی درآوردن و قطار کردن تعبیر مختلف از یک خبر واحد (که بعد از نیم‌ساعت «سوخته» محسوب می‌شود) چه دردی دوامی‌کند؟ آن مردمی که حرف‌شان را زدم، به صراحت می‌گویند صداوسیما روی اخبار مربوط به داخل کشور و خسارت‌های ناشی از حملات دشمن مانور نمی‌دهد، تازه اطلاعات مربوط به حملات خودمان به خاک اسرائیل را نیز صریح، شفاف و کامل بیان نمی‌کند. تنها شمایی کلی از آنچه رخ داده را یک‌بار می‌گوید و از آن‌وقت تا ۲۴ ساعت بعد، هر چه هست بیان همان خبر اول با کلمات تازه و لفاظی کردن‌های مجربان اتفاقاً بی‌تسلط بر ظرافت‌های توصیف در زبان فارسی است! من هم مثل همه این مردم، حواسم خیلی خوب به افشای اطلاعات و محدودیت‌های شرایط جنگی هست، اما خبری که سه، چهار ساعت قبل روی همه کانال‌های تلگرام و صفحات اینستاگرام - و حتی خبرگزاری‌های رسمی داخلی - رفته دیگر چه ارزش خبری‌ای دارد که گوینده شبکه خبر همان را هم نصفه‌ونیمه بیان می‌کند؟

این جنگ خیلی چیزها یاد ما داد. هیچ‌کدام ما آدم‌های سبزه روز قبل نیستیم. یک نکته عبرت‌آموز هم این است: یک جست‌وجوی ساده در میزان رشد دنبال‌کنندگان کانال‌های تلگرام و صفحات اینستاگرامی که در این ۱۲ روز روی مقوله «خبر» - و نه حتی تحلیل - متمرکز شده‌اند کافی است که صداوسیما دست‌فرومانش را به کل تغییر دهد. اگر گوش شنوایی باشد، البته!

چمدان، زخم‌ها را می‌بندد. فرشتگان بی‌پروا، با دست‌هایی که زخم را مرهم می‌شود و گام‌هایی که از دل ترس عبور می‌کند. این روزها نه شب را دیده‌اند، نه آرامش را. آن‌ها نخستین کسانی‌اند که با شنیدن صدای انفجار، بدون آن‌که بپرسند «کجا؟» و «کی؟»، راه می‌افتند. در جاده‌های خاکی، در میان آوار، با برانکار و کیف نجات، می‌دوند به‌سوی جان‌هایی که چشم به راهند. در این روزها که همه در پی پناهند، اینان پناه شده‌اند. خود زخمی‌اند، اما مرهم‌اند؛ خود خسته‌اند، اما تکیه‌گاه‌اند. بی‌ادعا، بی‌توقف، در مسیر زندگی‌بخشی در دل مرگ. پزشکانی که از خانه دور مانده‌اند تا خانه‌های بیشتری از ویرانی دور بماند. همه کسانی که در دل شبیخون‌ها چراغ امید شده‌اند. اعضای هلال احمر، پزشکان، پرستاران، رانندگان اورژانس و... قلب تپنده‌ی امید در روزهای بی‌رحم جنگ. کسانی که در دل صدای موشک و ضجه، آرام و استوار بالای سر زخمیان ایستاده‌اند. اورژانس نه‌فقط یک خودرو با آژیر است، بلکه نخستین نبض زندگی است در لحظه‌ای که مرگ سایه انداخته. پزشکانی که لباس سفیدشان رنگ خون گرفته،

وقتی صدای پدافند، موشک، بمب و جنگنده‌ها با آسمان درهم‌می‌آمیزد و شهر در هاله‌ای از وحشت فرو می‌رود، بسیاری از مردم راهی دباری امن می‌شوند. خانواده‌ها، کودکان، سالخوردگان و... حق دارند که بترسند، حق دارند که بترسند. اما در این میان، گروهی دیگر هستند که می‌مانند؛ نه از روی اجبار، که از روی نعدوستی و وظیفه! آتش‌نشانی که به‌جای ترک شهر، بر نردبان‌های لزان بالا می‌روند تا جانی را نجات دهند. آنها دل‌شان را به دل واقعه سپرده‌اند. هر جا که موشکی فرود می‌آید، پیش از آن‌که گردوخاک بنشیند، صدای قدم‌هایشان می‌رسد. در میان دود، در دل آتش، بی‌آنکه لحظه‌ای درنگ کنند، خودشان را به نقطه‌ی حادثه می‌رسانند. خواب، مدتی است که از چشم‌هایشان کوچ کرده، خستگی جایی در قاموس‌شان ندارد. مثل نگهبانان خاموش شب، بیدارند تا شهر بیدار بماند؛ تا جان بماند. برایشان مهم نیست که خانه‌ی ویران شده، خانه‌ی کیست، مهم این است که نجات هنوز ممکن است، حتی اگر فقط یک نفر مانده باشد. امدادگرانی که چمدان نبسته‌اند، چون دستان‌شان به‌جای بستن



محسن سلیمانی‌فاخر

منتقد

سر بازان بی سلاح